

در هر بار تمرین پناه گیری، در محل های امن پناه گیری کنید تا انجام این عمل در زمان وقوع زلزله، نیاز به صرف وقت نداشته باشد.

رئیس سازمان داوطلبان:

۶۰۲ هزار نفر ساعت کار داوطلبانه برای کمک به سیل زدگان انجام شد

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر گفت: در مراحل مختلف جمع آوری کمک های مردمی و آماده سازی و ارسال آنها به مناطق آسیب دیده بیش از ۶۰۲ هزار نفر ساعت کار داوطلبانه تحت نظارت معاونت داوطلبان استانها ثبت و گزارش شده است. محمد نصیری با ارائه آخرین آمار و عملکرد سازمان داوطلبان در سیل اخیر این مطلب را عنوان کرد و اظهار داشت: به محض وقوع حادثه سیل اخیر در کشور، سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر فعالیت های خود را در زمینه جذب کمک های مردمی و جلب مشارکت بنگاه های اقتصادی در راستای گسترش مسئولیت پذیری اجتماعی در سراسر کشور آغاز کرد و با اعلام نحوه جذب کمک های مردمی تاکنون مبلغی بالغ بر ۱۵۸ میلیارد تومان کمکهای نقدی مردمی به حساب های هلال احمر واریز شده که این روند همچنان ادامه دارد.



عکس: سعید غلامحسینی / شهر وند

اختیار به برنامه ای متفاوت برای شب های ماه مبارک رمضان تدارک دیده است

روایت هایی از قهرمانان اجتماعی

شهروند ماه مبارک رمضان یکی از فرصت های خوب برای رسانه ملی است، تا با ساخت برنامه های مناسبی با کیفیت و در خور، فضایی معنوی و در عین حال مفرح و شاد را میهمان سفره های سحر و افطار روزه داران کشور کند. ماه رمضان، ماهی است که در واقع باید انسان ها را به سمت فضیلت های اخلاقی و رفتاری سوق دهد و شرایطی فراهم کند تا هر کسی

علاوه بر پرهیز از خوردن و آشامیدن به خودسازی نفس و ارتقای ارزش های والای انسانی در درونش برسد. حالا در این مسیر نقش برنامه سازان و برنامه های تلویزیون به عنوان اصلی ترین رسانه تصویری کشور حایز اهمیت است. برنامه اختیاریه یکی از برنامه های گفت و گو محور و چالشی است که با ۲۰ قسمت پخش شده جای خود را در بین مخاطبان باز کرده و به قول معروف در بین

برنامه های اینچینی سیما جا افتاده است. اختیاریه یک برنامه گفت و گو محور و چالشی است؛ چالشی از این نظر که چهره های مشهور از ورزشی و هنری گرفته تا سیاسی و دانشگاهی به یک گفت و گو چالشی دعوت شده و به سوالات چالشی مجری برنامه پاسخ می دهند. این برنامه تا پیش از ماه رمضان ۲۰ شب ساعت ۱۰ تا ۱۱ روی آنتن رفت و میزبان چهره های

زیادی بود. اوایل اسفند ماه سال گذشته نخستین برنامه اختیاریه از شبکه پنج پخش شد و در مورد محتوای گفت و گوها و میهمان هایی که انتخاب شدند هم می توان گفت عوامل اختیاریه تلاش کردند آدم هایی را به استودیو دعوت کنند که حرفی برای گفتن داشته باشند یا این که در ذهن عموم جامعه سوالات زیادی در موردشان مطرح می شود؛ از چهره های اصلاح طلب و اصولگرا گرفته تا مرحوم جمشید مشایخی که آخرین مصاحبه اش در تلویزیون را در این برنامه انجام داد. اختیاریه اما در ماه مبارک رمضان حال و هوای متفاوتی دارد؛ از گفت و گوهای چالشی به روایت های آدم های خاص تغییر مسیر داده است. برنامه گفت و گو محور اختیاریه همزمان با ماه مبارک رمضان هر شب قبل از افطار روی آنتن زنده شبکه ۵ می رود. این ویژه برنامه با موضوعاتی متفاوت از قسمت های پیش از رمضان با زمینه اجتماعی معنوی و با میهمان هایی از دل جامعه در ۳۰ شب ماه رمضان پخش می شود. مسیر برنامه در ماه رمضان تغییر کرده و دیگر از گفت و گوهای چالشی خبری نیست؛ شاید به خاطر رسالت ویژه ای که اختیاریه در این ماه پر فضیلت بر عهده گرفته است. اختیاریه در ماه رمضان آدم های حوزه اجتماعی کار شاخص انجام داده باشند؛ به بیان دیگر برنامه قرار است قهرمان اجتماعی داشته باشد. قهرمان های اجتماعی که برای دیگران امیدبخش هستند. مثلا سراغ آدم هایی رفته است که در سیل و گرفتاری کارهای امیدبخش انجام داده اند یا کسانی که در زندگی عادی باری از روی دوش دیگران برداشته اند.

به علاوه رسالت ویژه اختیاریه در این شبها پخش مستندهایی از شهرهای سیل زده و شرایط زندگی مردم این شهرها است که کمک های مردمی از طریق جمعیت هلال احمر هر شب برای همان شهر جمع آوری می شود. سید مرتضی فاطمی تهیه کننده و اجرا فواد صفاریان پور کارگردانی و مصطفی امامی سردبیری این برنامه را بر عهده دارند.

متین ستوده در لباس داوطلبی هلال احمر

در ویژه برنامه رمضان اختیاریه، هر شب میهمان های حضور دارند که به واسطه کاری خاص یا روایت جذابی که از زندگی خود دارند، تبدیل به یک قهرمان اجتماعی شده اند. در نخستین قسمت از ویژه برنامه سی شب ماه رمضان، بانوای حضور پیدا کردند که کار آنها همسان گزینی و کمک به امراض دواج با استفاده از فضای مجازی است. یکی از تفاوت های ویژه برنامه رمضان، حضور چهره ها در حوزه های مختلف اجتماعی است که به عنوان شاهد در برنامه حضور دارد. این مهمان ویژه در مقطعی از برنامه وارد استیج می شود تا شاهد و نظاره گر برنامه و مسئول پیگیری کمک های مردمی به مناطق سیل زده باشد. متین ستوده بازیگر سینما و تلویزیون دیشب میهمان این برنامه بود که با پوشیدن لباس احمر به صورت افتخاری داوطلب جمعیت برای پیگیری کمک های مردمی به منطقه حاجی آباد از توابع کمیشان شد.



نجات از فراز سیلاب

تیم های امداد و نجات هوایی چطور امید را در دل سیل زدگان زنده نگه داشتند

سیل خانه ها را ویران کرد و راه ها و جاده های ارتباطی میان شهرها و روستاها را نیز مثل در و دیوار خانه ها با خود برد. سیلاب روستا به روستا و شهر به شهر که پیش می رفت، پل ها را می شکست و راه فرار را نیز بر افراد گرفتار در سیلاب می بست. در چنین شرایطی اما بالگردهای هلال احمر از راه رسیدند. خلبان های دلسوز و فداکاری که در بدترین و نامساعدترین شرایط جوی، به کمک سیل زدگان آمدند تا اقلام امدادی به دست خانواده های گرفتار در روستاها و شهرهای سیل زده گلستان، لرستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان برسد. آنها در هوای بارانی و مه آلود مناطق کوهپایه ای لرستان، در دشت های باز و زمین های پر از سیلاب گلستان سریع افراد گرفتار در سیلاب رفتند و جان خود را برای نجات جان دیگری به خطر انداختند. در ادامه جمعی از خلبانان زنده هلال احمر که در استان های گرفتار سیل مشغول امداد رسانی به سیل زدگان هستند از زیر و بم امداد هوایی می گویند.

عباس گودرزی

دشواری های ۸ ساعت پرواز روزانه



تجربه ۸ سال فعالیت در روزهای پر حادثه دفاع مقدس و امداد و نجات در حوادثی چون زلزله کرمانشاه را نیز با خود به کابین خلبان بالگرد آورده تا دست یاری امدادگران به افراد گرفتار در سیلاب های بی رحم برسد. کاپیتان گودرزی از خلبان های باتجربه ای است که لباس داوطلبی را انگار به قامتش دوخته اند. تنها شنیدن خبر بی خانمان شدن هموطنان شمالی برایش کافی بود تا یکبار دیگر داوطلبانه عزم میدان کند. او که از روز نخست جاری شدن سیل در گلستان همراه با دیگر خلبانان هلال احمر عازم مناطق سیل زده آق قلا و کمیشان شده بود، از تجربه هایش برای امداد رسانی بهتر در شرایط مشابه می گوید: «امدادگران هلال احمر همان ساعات نخست وقوع سیل فداکارانه پای کار بودند. تلاش هایی که نتیجه اش رسیدن اقلام امدادی به افراد و خانواده های آسیب دیده و نجات افراد گرفتار در سیلاب بود. اما موانعی نیز برای امداد رسانی هوایی مناسب تر وجود داشت. مشکلی که خلبان ها برای رساندن اقلام امدادی در زلزله کرمانشاه نیز با آن روبه رو بودند. وقتی بالگرد را در مناطق تعیین شده فرود می آوردیم، با مشکل جدی هجوم مردم برای دریافت اقلام امدادی روبه رو می شدیم. مسئله ای که باعث می شد جان آن افراد به خطر بیفتد. امکان داشت هر لحظه کسی با ملخ دم بالگرد برخورد کند و جانش را از دست بدهد. در نتیجه برای فرود آوردن بالگرد بارها مجبور به نشستن و برخاستن بودیم تا در نقطه ای امکان تخلیه اقلام امدادی فراهم شود.» گودرزی اما راهکاری نیز برای حل این مشکل ارائه می کند: «برای حل این مشکل باید پیش از فرود بالگرد پد محصور ساخته شود تا کار انتقال اقلام امدادی سرعت بیشتری پیدا کند.» حضور داوطلبانه کاپیتان گودرزی تنها به امداد رسانی هوایی سیل گلستان محدود نمی شود. او نیز همراه با جمع دیگری از خلبان های هلال احمر عازم استان لرستان و شهرهای خرم آباد و الیگودرز و روستاهای متأثر از سیلاب شده است. اما ۸ ساعت پرواز روزانه و انتقال اقلام امدادی به مناطق وسیع سیل زده و از همه مهم تر نجات جان افراد گرفتار در سیلاب، انبوهی از خاطرات و ماجراهای پر فراز و نشیب برایش به همراه کرده است. گودرزی یکی از آن خاطرات را بر ایمان تعریف می کند: «از نخستین روز حضور در مناطق سیل زده کشور تا به امروز نزدیک به هزار نفر را از مناطق پر خطر به نقاط امن منتقل کرده ام. عملیات هایی که گاهی در بدترین شرایط آب و هوایی انجام می شد. وقتی ششپر یا روستایی گرفتار سیل شده و راه های ارتباطی از بین می رود، امداد هوایی تنها راه کمک رسانی است. در روز نخست اعزام به الیگودرز بود که خبر رسید یکی از اهالی در محاصره سیلاب و روی سقف یک خانه گرفتار شده است. اگر کمی دیر می رسیدیم سیلاب کار را تمام می کرد. گروهی از امدادگران استان تهران را به نقطه مورد نظر رساندم. جایی برای نشستن بالگرد نبود. باران شدید بود و وزش باد کار کنترل بالگرد را دشوارتر می کرد. با این وجود یکی از امدادگران با وینچ از بالگرد معلق در هوا خودش را به روی سقف خانه رساند و جوان وحشت زده را به داخل بالگرد منتقل کرد.»

مهدی شهرابی

ثانیه های پر التهاب نجات زن باردار



۲ روز مانده به نوروز ۹۸ وقتی که سیلاب شد میهمان ناخوانده اهالی آق قلا و کمیشان، عازم استان گلستان شد. مثل روزهایی که در زلزله کرمانشاه بی وقفه پای کار بود تا خانواده ای از نیازهای اولیه اش محروم نماند، برای گلستانی ها هم سنگ تمام گذاشت. کاپیتان شهرابی شانه به شانه دیگر همکارانش نخستین ساعات سیل نورا به بازدید از اهالی آق قلا و کمیشان سیل زده سبزی کرد. ۲۵ تا ۲۰ سورت پرواز روزانه آنهم بر فراز شهرهایی که توسط سیلاب بلعیده شده بودند و کمک رسانی به مردمانی که در گوشه و کنار شهر نیاز فوری به امداد داشتند، تنها گوشه ای از اقدامات فداکارانه خلبانان کار کشته هلال احمر و امدادگران دلسوز جمعیت بود. شهرابی از امداد رسانی هوایی مناسب بالگردهای هلال احمر به اهالی آق قلا و کمیشان می گوید: «حضور پر رنگ بالگردهای هلال احمر در امداد رسانی به سیل زدگان اسماعل نمود بیشتری داشت. اگر روزی در زلزله بم بالگردهای ارتش و سپاه بیشتر به چشم می آمدند، امروز بالگردهای هلال احمر هستند که با تمام قوا و با درس آموخته های زلزله تبریز و کرمانشاه، پررنگ تر از همیشه همراه بالگردهای ارتش و سپاه امداد رسانی کردند. اقداماتی چون انتقال اقلام امدادی به مناطق سیل زده و نجات افراد گرفتار در سیلاب و نقاط پر خطر.» اهواز و امداد رسانی هوایی به نقاط سیل زده خوزستان، مقصد بعدی کاپیتان شهرابی و کادر پروازش رقم خورد. او می گوید: «وقتی انتقال اقلام امدادی و اسکان اضطراری سیل زدگان استان گلستان انجام شد، راهی خوزستان شدیم. گروه دیگری از خلبانان هلال احمر اما همزمان در لرستان مشغول امداد رسانی بودند و من جمع دیگری از خلبانان مأمور به کمک رسانی به اهوازی ها شدیم. خدماتی چون رساندن اقلام امدادی و غذای گرم به سیل زدگانی که در روستاهای کم جمعیت و پراکنده اطراف اهواز گرفتار سیلاب شده اند.» اما در روزهای نخست اعزام به گلستان بود که خاطره شیرین نجات یک زن باردار برای کاپیتان گودرزی و کادر پروازش رقم خورد: «امداد رسانی به افراد گرفتار در نقاط پر خطر و افراد مجروحی که گرفتار سیلاب شده اند در امداد رسانی هوایی همیشه در اولویت است. در گلستان و خوزستان افراد بسیاری را از نقاط پر خطر به مناطق امن منتقل کردیم اما خاطره نجات زن باردار و فرزند در راهش هنوز هم به من و همه کادر پرواز امید می دهد. همان روزهای نخست سال نبود که خبر رسید یک زن باردار گرفتار سیلاب شده است. راه های زمینی در آق قلا مسدود شده بود و از طرفی به دلیل تکان های قوی، انتقال او با قایق به مرکز درمانی می توانست خطر آفرین باشد. زمان اما مسأله دیگر بود. باید به سرعت او را به مرکز درمانی می رساندیم. از آنجا که امکان فرود بالگرد در منطقه سیل زده وجود نداشت، امدادگران زن باردار را در مسافت کوتاهی با کمک ماشین های آف رود به محدوده شهرک صنعتی شهر که آن هم در محاصره آب بود منتقل کردند. جایی که امکان فرود بالگرد مهیا شده بود. از طرفی ما نیز همراه با گروه درمانی عازم شهرک صنعتی شدیم. دقیقی بعد همگی به محدوده بیمارستان گرگان رسیدیم. همه این اقدامات در مدت زمان بسیار کوتاهی انجام شد و آن طور که کادر درمانی می گفتند اگر این انتقال کمی بیشتر طول می کشید، جان مادر و نوزاد به خطر می افتاد. اما خبر تولد آن نوزاد انگیزه دیگری برای ادامه امداد رسانی ما شد.»

عباس ندایی

به خاطر آن نوزاد ۱۵ روزه



مسیر سیلاب های ویرانگر به استان های ایلام، کرمانشاه و حتی مناطق زلزله زده ثلاث باباجانی هم رسید. سیلاب اگر چه خانه ها را ویران کرد و خسارات بسیاری بر جای گذاشت، اما در غرب کشور نیز خلبانان بالگردهای هلال احمر سیل زدگان را تنها نگذاشتند. کاپیتان ندایی از خلبانان کار کشته و باتجربه هلال احمر که مسئولیت امداد هوایی غرب کشور را هم بر عهده دارد، یکی از همسان خلبان هایی است که در آن ثانیه های پراضطراب یاور خانواده های سیل زده بود. ندایی با تجربه فراوانی که در حواصت مختلفی چون زلزله کرمانشاه و امداد رسانی هوایی در آن شرایط دشوار کسب آشنایی اش با مناطق غرب کشور را هم چاشنی کار کرد تا امداد رسانی هوایی در سیل به بهترین شکل ممکن انجام شود. او از وضعیت مناطق سیل زده ایلام و کرمانشاه و تلاش بی وقفه خلبانان زنده هلال احمر می گوید: «سیل خسارات زیادی به بیش از ۴۰۰ روستای کوچک بزرگ ایلام وارد کرد. در منطقه دره شهر و بخش ماژین تمام پل ها و راه های ارتباطی از بین رفته و در بیشتر روستاها نیز به دلیل از بین رفتن راه ها، امداد رسانی تنها از طریق امداد هوایی میسر بود. در این شرایط اما با کمک امدادگران اقلام امدادی را با وجود وضعیت جوی نامناسب به سیل زدگان رساندیم.» تلاش های بی وقفه کاپیتان ندایی و همکارانش خطرات به یادمانی بسیاری برایشان رقم زد، از نجات جان گروهی که در سرایشی تپه ای دور از روستا گرفتار بودند تا نجات جان دوزن باردار و یک نوزاد ۱۵ روزه: «روز ششم فروردین بود که خبر رسید در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی کرمانشاه و در یکی از روستاهای اطراف منطقه سرفیروز آباد، دوزن باردار و یک نوزاد ۱۵ روزه که وضعیت جسمانی نامساعدی داشتند نیاز به کمک فوری دارند. تازه از مأموریت انتقال اقلام امدادی برگشته بودیم اما شنیدیم این خبر کافی بود که بلافاصله خودمان را به روستای مقصد برسانیم. شرایط جوی بسیار نامساعد بود. بارش باران بسیار شدید بود و از طرفی راه رسیدن به آن روستا از تنگه هایی بسیار باریک و مه آلود می گذشت. وزش باد نیز کنترل بالگرد را دشوار می کرد اما هیچ کدام نتوانست مانع رسیدن ما به روستا شود. وقتی رسیدیم، آنها را دیدیم که در ساختمان در مرکز بهداشت که بلندترین ساختمان روستا بود پناه گرفته اند. با این وجود بالگرد را در منطقه ای مناسب فرود آوردیم و دو مادر باردار و نوزاد ۱۵ روزه را از منطقه سیل زده دور کردیم. وحشت زده بودند و وقتی سوار بالگرد شدند هنوز باورش نمی شد از آن وضعیت دلهره آور نجات پیدا کرده اند. دقیقی بعد به بیمارستان امام رضاع کرمانشاه رسیدیم و تیم درمانی عهده دار وضعیت سلامت آنها شد. چهره و وحشت زده آنها طوری در ذهن من و دیگر امدادگران آن عملیات ثبت شده بود که همگی پیگیر وضعیت آنها بودیم. چند روز بعد اما خبر تولد نوزاد و بهبودی آن نوزاد ۱۵ روزه تبدیل به بهترین خاطره من از نجات جان بیش از ۴۰۰ نفری شد که در استان ایلام و کرمانشاه به نقاط امن منتقل کردیم.»